



Mood and Modality in Sorani Kurdish: A Functional Analysis

Hamza Hussein Hama¹, Nasrin Aliakbari², Yadgar Karimi³

1. Ph.D. Student of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. E-mail: Hamzahussein132@gmail.com
2. Corresponding Author, Assistant Professor of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. E-mail: n.aliakbari@uok.ac.ir
3. Associate Professor of Linguistics, Department of English Language and Linguistics, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. E-mail: y.karimi@uok.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 20 December 2020

Accepted: 19 April 2021

Keywords:

Sorani Kurdish,
mood,
modality,
mood constituent,
modalization,
modulation.

ABSTRACT

The current research aims to investigate mood and modality in Sorani Kurdish within the Systemic Functional approach (Halliday and Matthiessen 2014). Specifically, the present study is an attempt to explore the nature of mood markers and the formalization of modality in Sorani Kurdish. The primary data has been collected using the Plank Questionnaire, administered to 442 participants. To explore mood-marking, the mood constituent in Kurdish clauses will be delineated, with the subject, finite, and mood adjuncts identified as the three main components of the mood constituent. Then, system of modality in Kurdish, modalization, and modulation will be discussed. Data analysis suggests that finite in Kurdish does not stand on its own and needs to be conflated with the predicate. The main grammatical categories used in Kurdish to represent modalization and modulation are modal verbs and pseudo-grammaticalized modal clauses. Statistical data also shows that mood adjuncts are only sporadically used in Kurdish to describe modality. Moreover, the morphological subjunctive mood will be analyzed as operative over verbal categories and hence not part of the mood constituent.

Cite this article: Hussein Hama, H., Aliakbari, N., Karimi, Y. (2022). Mood and Modality in Sorani Kurdish: A Functional Analysis. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 9 (4), 1-23.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/jlw.2021.6008.1504



بررسی وجه و وجهیت در کردی سورانی: تحلیلی نقش‌گرا

همزه حسین حمه^۱، نسرین علی‌اکبری^۲، یادگار کریمی^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه:

Hamzahusseini132@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه:

n.aliakbari@uok.ac.ir

۳. دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: y.karimi@uok.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۳۰ آذر ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۳۰ فروردین ۱۴۰۰ واژه‌های کلیدی: وجه، وجهیت، کردی سورانی، قالب وجهی، وجه‌سازی، تعدیل‌سازی.	مقاله حاضر با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی به بررسی وجه‌نمایی و نظام وجهیت در کردی سورانی در چهارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌بنیان (هلیدی و متیسن ۲۰۱۴) می‌پردازد. به‌طور مشخص، هدف از انجام این پژوهش تحلیل ماهیت ابزارهای صرفی-نحوی کردی سورانی در وجه‌نمایی و شیوه صورت‌بندی نظام وجهیت است. داده‌های مورد بررسی در این پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه نیمه‌باز و از پیش ساخته مکس پلانک گردآوری شده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که از بین سه عنصر فاعل دستوری، ایستایی و افزوده وجهی که اجزای تشکیل دهنده قالب وجهی هستند، ایستایی در این زبان نمود مستقل ندارد؛ بلکه، طی فرایند ادغام بر روی محمول ظاهر می‌گردد. سپس وجه‌سازی و تعدیل‌سازی در قالب نظام وجهیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. داده‌های آماری نشان داد که وجه‌سازی احتمال وقوع، غالباً توسط افعال و ساخت‌های بندی دستوری شده، و وجه‌سازی تداول وقوع عموماً توسط افزوده‌های وجهی انجام می‌گیرد. نتایج پژوهش همچنین نشان می‌دهند که تعدیل‌سازی تکلیفی و تمایلی در کردی سورانی توسط افعال وجهی و ساخت‌های بندی انجام می‌پذیرد. در خصوص وجه التزامی نیز، بررسی داده‌ها حاکی از آن است که موجودیت آن وابسته به شرایط دستوری ویژه (بند پیرو) و نقش بینافردی آن در سطح واحدهایی همچون فعل و گروه فعلی است.

استناد: حسین حمه، همزه؛ علی‌اکبری، نسرین؛ کریمی، یادگار (۱۴۰۰). بررسی وجه و وجهیت در کردی سورانی: تحلیلی

نقش‌گرا. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۹ (۴)، ۱-۲۳.



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/jllw.2021.6008.1504

۱- مقدمه

وجهیت^۱ نظامی از انتخاب‌هاست که گویشور زبان را قادر می‌سازد به کنشی غیر بیانی مبادرت بورزد یا موضع و درجه تعهد و وقوف خود را نسبت به حقیقت گزاره‌های زبانی ابراز نماید. حوزه معنایی این امکانات و انتخاب‌ها شامل مفاهیمی همچون «ضرورت»، «امکان»، «الزام» و «اجازه» است. با در اختیار داشتن چنین امکاناتی، گویشور زبان در تولید جمله‌ای همچون «محسن باید بسته‌ها را تحویل بدهد» موضع خود را نسبت به گزاره موجود در جمله به دو شیوه بیان می‌دارد؛ یا این جمله دارای «وجهیت معرفتی^۲» است که بر اساس آن چنین تعبیری از گزاره منتقل می‌شود «بر پایه آنچه می‌دانم و می‌فهمم نتیجه می‌گیرم محسن بسته‌ها را تحویل می‌دهد.»؛ و یا با داشتن «وجهیت تکلیفی^۳» چنین تعبیری استنباط می‌شود «بر پایه آنچه می‌خواهم و تمایل دارم محسن بسته‌ها را تحویل می‌دهد.» بنابراین، آن‌جا که نیت و قصد گویشور از بیان گزاره همراه با یقین، احتمال، اجبار، استلزام، آرزو و یا تمنا باشد، نقطه تلاقی نظام معنایی وجهیت و دستور زبان است. انگاره‌های نقش‌گرایی بر پایه این انگاشته روش‌شناختی بنیان نهاده شده‌اند که صورت و ساختار در دستور زبان و گفتمان ناظر بر انگیزه‌ی نقشی هستند. از این منظر، وجه و نظام وجهیت در سطح رابط صورت و نقش در زبان تحلیل می‌شوند. از آنجا که انگیزه‌های نقشی تبیین‌کننده حضور صورت‌های متناظر دستوری در زبان است، لذا برای دستیابی به تعریفی فراگیر از وجهیت می‌بایست صورت‌های زبانی را در گستره وسیعی از زبان‌های گوناگون با رده‌های متفاوت مطالعه نمود؛ چراکه تنها از رهگذر مطالعات رده‌شناختی وسیع بین‌زبانی می‌توان به برآیندی نقشی از رخدادهای متنوع و گوناگون صوری وجهیت دست یافت. پالمر^۴ (۱۹۸۶) به‌روشنی این دغدغه روش‌شناختی را منعکس می‌کند و در این خصوص چنین بیان می‌دارد که چنانچه وجهیت را مقوله‌ای زبانی بپنداریم، ناگزیر باید در پی ترسیم خطوط و شاخص‌هایی برای بازشناخت و توصیف آن در چشم‌اندازی رده‌شناختی باشیم. مفروض‌پنداشتن انگیزه نقشی برای حضور صورت‌های وجهیت‌نما در زبان مستلزم قائل‌شدن به حوزه‌ای معنایی است که وجهیت را می‌بایست در امتداد مرزهای آن حوزه جستجو کرد. شیوه دسترسی زبان‌های گوناگون به این حوزه

1. modality
2. epistemic
3. deontic
4. Palmer

معنایی و نحوه تبلور این حوزه معنایی در زبان را می‌توان از صورت‌های زبانی متنوعی استنباط کرد که شاید در نگاه اول نمایانگر مقوله وجهیت نباشند؛ بالاخره، این انگاشته نظری را نباید از ذهن دور نگه‌داشت که چنانچه نقش تبیین و تعیین‌کننده صورت باشد، به‌طور منطقی صورت‌ها و ساخت‌های زبانی گوناگونی می‌توانند به شیوه‌ای غیراختصاصی و انحصاری بازنمایی نقش / حوزه معنایی خاصی (در این مورد، وجهیت) را بر عهده داشته‌باشند. اما، در واقع، آنچه سبب می‌شود وجهیت، به‌طور قطع و یقین، مقوله و مفهومی زبانی / دستوری در مطالعات زبان‌شناختی قلمداد شود حضور صورت‌های ویژه و انحصاری در زبان‌ها برای بیان مفهوم و نقش وجهیت است.

به‌طور مشخص، دستوری‌شدگی^۱ یکی از سازوکارهای زبان برای قالب‌ریزی نقش‌های مشخص در صورت‌های مشخص به‌صورت تناظری یک‌به‌یک است. تصریف فعلی، افعال وجهی، صفات وجهی و قیود وجهی بارزترین صورت‌های اختصاصی‌شده برای تبلور وجهیت در زبان‌ها هستند (فرالی^۲: ۲۰۰۶: ۱۳)، که البته حضور هر کدام از این صورت‌ها در یک زبان معین به نحوه دسترسی دستور این زبان به حوزه معنایی وجهیت و توانمندی دستوری آن زبان در دستوری‌سازی / دستوری‌شدگی بستگی دارد.

در دستور نقش‌گرای نظام‌بنیان، وجهیت در ارتباط با فرانش‌های زبان تعریف می‌شود. هلیدی^۳ و متیسن^۴ (۲۰۰۴) فرانش‌های بینافردی^۵، بافتی^۶ و اندیشگانی^۷ را از هم تفکیک می‌کنند. از این منظر، وجهیت با فرانش‌اندیشگانی و بافتی ارتباطی ندارد چراکه وجهیت نقشی در رابطه با جهان خارج یا بازنمایی آن ندارد؛ در مقابل، وجهیت از فرانش بینافردی مشتق می‌شود. فرانش بینافردی ناظر بر برقراری ارتباط اجتماعی و شرکت‌گوشور زبان در رخداد زبانی در همه تعاملات شخصی است. نظام وجه^۸ در دستور نقش‌گرای هلیدی توصیف‌گر انتخاب‌هایی است که زمینه تبادل اطلاعات در جمله و ایجاد نقش‌های اجتماعی گوینده و شنونده را فراهم می‌آورد.

اصول نظام وجه مبنای انتخاب وجه‌های اخباری و امری از یک سو و صورت‌های خبری و

1. grammaticalization

2. Frawley

3. Halliday

4. Matthiessen

5. interpersonal metafunction

6. textual metafunction

7. ideational metafunction

8. Mood system

پرسشی از سوی دیگر هستند. در دستور نقش‌گرای نظام‌بنیاد، وجهیت تعاملی ناگسستگی با نظام وجه دارد. با انتخاب وجه اخباری باب مقوله وجهیت گشوده می‌شود. هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) در خصوص طبقه‌بندی انواع وجه از گونه‌های معرفتی و تکلیفی سخن به میان نمی‌آورند، بلکه از دو اصطلاح وجه‌سازی^۱ (در مفهوم معرفتی) و تعدیل‌سازی^۲ (در مفهوم اجبار و تکلیف) استفاده می‌کنند. وجه‌سازی در ارتباط با گزاره (نقش جمله در تبادل اطلاعات) موضوعیت می‌یابد. گزاره‌ها یا تأیید می‌شوند یا انکار. نقش نظام وجهیت «تحلیل قلمرو عدم قطعیت مابین آری و خیر است» (هلیدی ۲۰۰۴: ۱۴۷). در حد فاصل بین عدم قطعیت و قطعیت دو امکان وجود دارد: درجه احتمال وقوع (امکاناً، احتمالاً، یقیناً) و درجه تکرار وقوع (گاهی، معمولاً، همیشه). در مقابل، تعدیل‌سازی در ارتباط با پیشنهادات (نقش جمله در تبادل خدمات و اقلام و نه اطلاعات) تعریف می‌شود. در پیشنهادات، میان پیشنهاد مثبت «انجام بده» و پیشنهاد منفی «انجام نده» تمایز وجود دارد. جملات دارای وجه‌نمایی شامل پیشنهاد (می‌توانم برم خانه؟) درخواست از شنونده (برو خانه) و توصیه برای گوینده و شنونده (بریم خانه) است.

پیشینه پژوهشی مختص به وجه و وجهیت در گونه‌های مختلف زبان کردی بسیار محدود است. در این خصوص می‌توان به دو اثر نظری در قالب نظریه صورت‌گرایی و نقش‌گرایی اشاره کرد. مرادی (۱۳۹۲) ضمن بررسی افعال وجهی در کردی سورانی، سه طبقه معرفتی، تکلیفی و پویایی را از هم بازمی‌شناسد. درجات وجه‌نمایی بر پایه نظر این نویسنده، معیار تمایز میان افعال وجهی است. تحلیل وی از افعال وجهی در واقع چندان از توصیف فراتر نرفته؛ بلکه صرفاً بازنمون طبقات کلاسیک وجهی پالمر (۲۰۰۱) در گویش کردی سورانی بر پایه شاخص‌های مشخصه‌ای است. نقشبندی (۱۳۹۴) در رساله دکتری خود به مسئله وجهیت در گویش هورامی می‌پردازد. به‌زعم نقشبندی، افعال «شدن و توانستن» نمایانگر مرتبه امکان از وجهیت‌های معرفتی و استلزامی هستند؛ در حالی که تنها فعل «بایستن» وجهیت استلزامی و الزامی را داراست.

مابقی آثار مرتبط با وجه در زبان کردی ناظر بر توصیف و طبقه‌بندی سنتی افعال کمکی در گویش سورانی است که در خلال آن‌ها می‌توان به اشاراتی در مقوله وجه و نه وجهیت دست یافت. عمده این آثار عبارت‌اند از احمد (۱۹۷۶: ۱۹۰)، سایه (۲۰۰۴: ۵۱)، خوشناو (۲۰۱۰: ۱۳۶)،

خورشید (۲۰۱۱: ۹۱)، محوی (۲۰۱۱: ۲۱۰)، عبدالفتاح (۲۰۱۲: ۶۵) و حاجی مارف (۲۰۱۴: ۲۵۱).

این در حالی است که در ادبیات پژوهشی مربوط به وجه و وجهیت در زبان فارسی آثار قابل توجهی پیرامون جنبه‌های توصیفی این نظام و برشماری شاخص‌های معرف و وجه‌نمایی به چشم می‌خورد. از میان آثاری که به صورت عمده به معرفی افعال وجهی و ارائه فهرست آن‌ها بدون ورود به مباحث نظری و تعمق در خصوص ماهیت وجهیت پرداخته‌اند می‌توان به باطنی (۱۳۴۸)، شریعت (۱۳۶۴)، غلامعلی‌زاده (۱۳۷۴)، مشکوة‌الدینی (۱۳۷۹)، رحیمیان (۱۳۸۶) و افراشی (۱۳۸۶) اشاره کرد. در مقابل، پژوهش‌های عمده انجام گرفته در خصوص نظام وجهیت و مقوله وجه در قالب نظریه‌ای مدون با روش‌شناسی مشخص به شرح زیر است:

مظاهری، هاشمی و متولی (۱۳۸۳) را می‌توان یکی از نخستین آثار جدی در خصوص تفکیک وجهیت و وجه در زبان فارسی دانست. این نویسندگان با بهره‌گیری از مفاهیم مندرج در اثر کلاسیک پالم (۱۹۸۶) وجهیت را مقوله‌ای معنایی و گسترده‌تر از وجه قلمداد می‌کنند و تأکید دستوریان گذشته بر تشخیص وجه بر روی فعل را ناشی از ساده‌انگاری و تقلیل وجهیت به مقوله دستوری وجه می‌انگارند.

عموزاده و رضایی (۱۳۸۹) با بررسی معنایی وجوه متفاوت «باید» به نمایاندن بافت‌های کلامی متفاوتی که «باید» در آن واقع می‌شوند، می‌پردازند و از این رهگذر به کاربرد بیشتر جنبه تکلیفی آن نسبت به جنبه معرفتی پی می‌برند.

نقی‌زاده، توانگر و عموزاده (۱۳۹۰) به بررسی دو فعل «باید» و «توانستن» با تکیه بر مفاهیم عینیت و ذهنیت می‌پردازند. در نهایت این نویسندگان به عدم وجود مرزی مشخص مابین این دو مفهوم در تعیین وجهیت دو فعل مذکور صحنه می‌گذارند. از این رهگذر، این نویسندگان همچنین به موضوع وجهیت معرفتی و تکلیفی در ارتباط با این دو فعل می‌پردازند و چنین اظهار می‌کنند که اصولاً وجهیت معرفتی و تکلیفی دارای بستر وجهی واحد در دو حوزه معنایی متفاوت هستند.

عموزاده و رضایی (۱۳۹۱) به تأثیر عامل زمان دستوری در بیان وجهیت در زبان فارسی می‌پردازند. بنابر استدلال این نویسندگان، زمان دستوری در تعیین وجهیت در ساخت‌های شرطی، انعکاس اشاره‌ای^۱ و تمنایی و التزامی نقشی تعیین‌کننده دارند. فارغ از نقش زمان دستوری در تعیین

درجه و جهت در زبان فارسی، این نویسندگان همچنین به نقش تعیین‌کننده نگاهت استعاری، فضاسازی ذهنی و بافت کلامی صحنه می‌گذارند.

آقاگل‌زاده و عباسی (۱۳۹۱) با بهره‌گیری از نظریه فضاهای ذهنی به بررسی وجه فعل در زبان فارسی می‌پردازند. بر پایه احتمال وقوع فعل، این نویسندگان پیوستاری را پیشنهاد می‌دهند که فعل بر اساس وجهی که دارد در نقطه‌ای از آن قرار می‌گیرد. پیوستار احتمال وقوع فعل از حتمی - احتمالی - غیرمحمتمل تشکیل شده و افعال با وجه اخباری، غیرمحمتمل و التزامی به ترتیب در این سه جایگاه پیوستار قرار می‌گیرند.

ایلخانی پور و کریمی دوستان (۱۳۹۳) با انتقاد از رویکرد توانگر و عموزاده در دسته‌بندی افعال وجهی به سه دسته افعال واژگانی وجهی، کمکی وجهی و محمول‌های ذهنی، این دسته‌بندی را اختلاطی از شاخص‌های صوری و معنایی می‌پندارند که بر این اساس دسته‌بندی مذکور نه کاملاً صوری و نه کاملاً نحوی است.

هدف از انجام پژوهش حاضر شناسایی و دسته‌بندی عناصر وجهی در قالب نظام‌های وجهی مفروض در فرانش بینافردی در دستور نقش‌گرای نظام‌بنیان است. به‌طور مشخص، این پژوهش در صدد پاسخگویی به این دو پرسش است که ۱) الگوهای وجه‌نمایی در کردی سورانی کدام‌اند؟ و ۲) نظام وجهیت در این گونه زبانی چگونه صورت‌بندی می‌شود؟ جهت دستیابی به پاسخ پرسش نخست، به تحلیل جملات از منظر قالب وجهی^۱ و پسماند^۲ خواهیم پرداخت. پاسخ پرسش دوم، در واقع، مستلزم تحلیل شیوه‌بازنمایی وجه‌سازی و تعدیل‌سازی است. داده‌های مورد بحث و استناد در این پژوهش مستخرج از مطالعه میدانی و اخذ قضاوت ۴۰۴ گویشور زبانی به شیوه پرسشنامه نیمه‌باز و پیش‌ساخته استانده مکس پلانک است.^۳

ساختار مقاله حاضر به این صورت است که در بخش ۲ مروری بر مفاهیم بنیادی مفروض در دستور نقش‌گرای نظام‌بنیان (هلیدی و متیسن ۲۰۰۴، ۲۰۱۴) در ارتباط با وجه و وجهیت خواهیم

1. Mood (slot)

2. residue

۳. تحقیق مذکور بخشی از یک پژوهش بزرگتر است که توسط یکی از نگارندگان این مقاله، در سال ۱۳۹۸، تحت عنوان «مطالعه تطبیقی نظام وجهیت در زبان‌های فارسی و کردی» انجام گرفته است. گویشوران کردزبان شرکت‌کننده در این تحقیق میدانی ۴۰۴ نفر بودند؛ و گرده‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه نیمه‌باز و از پیش‌ساخته مؤسسه مکس پلانک (قابل دسترسی از لینک <https://www.eva.mpg.de/lingua/tools-at-lingboard/questionnaire/cross-linguistic-use.php>) انجام گرفت.

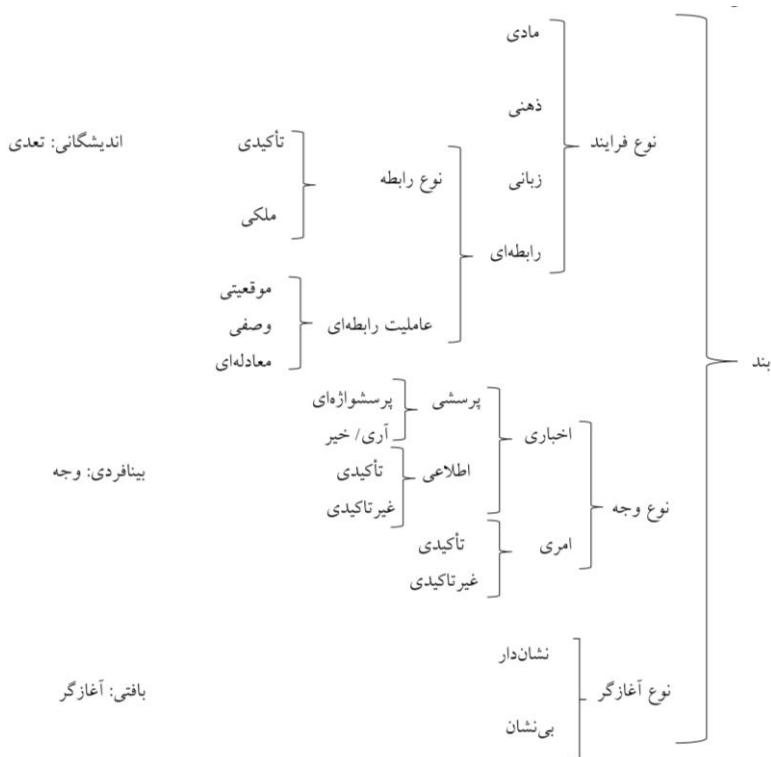
داشت. سپس در بخش ۳ به بررسی وجه‌نمایی و قالب وجهی، عناصر تشکیل دهنده قالب وجهی و چگونگی بازشناسی آن‌ها در کردی سورانی خواهیم پرداخت. بخش ۴ به تحلیل نظام وجهیت در قالب امکانات وجه‌سازی و تعدیل‌سازی می‌پردازد. بخش ۵ به بیان نتایج پژوهش اختصاص دارد.

۲- فرانش بینافردی و وجه

هلیدی (۱۹۸۵) به پیروی از مالینوسکی^۱ (۱۹۲۳) سه فرانش اصلی را در ارتباط با چگونگی استفاده گویشوران از زبان برای ارتباطات روزانه برمی‌شمرد. پیش‌تر، مالینوسکی، انسان‌شناس، به هنگام بحث در باب معنا در زبان، معنا را «نقش بافتی»^۲ تعریف کرده بود و مشخصاً در این خصوص سه نوع بافت را که زبان در ارتباط با آن قابل بررسی است، از هم باز می‌شناسد: بافت فرهنگی، بافت موقعیتی و بافت زبانی.

برای پایه تقسیم‌بندی بافتی مالینوسکی، هلیدی سه فرانش اندیشگانی^۳ (بافت فرهنگی)، فرانش بینافردی (بافت موقعیتی) و فرانش بافتی (بافت زبانی) را معرفی می‌نماید. هر یک از این فرانش‌ها مجموعه‌ای از نظام‌های معنا-بنیاد با انتخاب‌هایی ویژه هستند که گویشوران از آن‌ها به‌عنوان ابزارهایی در انتقال معنا و ایجاد ارتباط استفاده می‌کنند. بر پایه هر یک از این فرانش‌ها تحلیلی مجزا با انتخاب‌های ویژه بر ساختار بند نگاشت می‌شود؛ در واقع فرانش‌ها نظام‌هایی هستند که سطوح مختلف تحلیل بند را فراهم می‌سازند. بر پایه فرانش اندیشگانی، تحلیل بند مبتنی بر فرایند، شرکت‌کنندگان و شرایط است که بر اساس آن گونه‌های مختلف شرکت‌کننده با گونه‌های مختلف فرایند پیوند می‌خورند. در فرانش بینافردی، بند بر اساس وجه و پسماند^۴ تحلیل می‌شود. در این سطح از تحلیل، وجه خود به فاعل و ایستایی قابل تجزیه است. در فرانش بافتی، بند بر اساس دو مفهوم آغازگر^۵ و پایان‌بخش^۶ تحلیل می‌شود. نکته کلی در خصوص خرده نظام‌های هر فرانش این است که نظام‌های هر فرانش عموماً به هم مرتبط هستند؛ اما ارتباط بینافرنانشی به‌ندرت ممکن است رخ دهد. این شبکه از فرانش‌ها و خرده نظام‌های مندرج در آن‌ها به‌صورت زیر بازنمایی می‌شود (هلیدی و متیسن ۲۰۱۴):

1. Malinowsky
2. Contextual function
3. Ideational
4. Residue
5. Theme
6. Rheme



نمودار (۱). فرانش‌ها و نظام‌های زیرمجموعه

همان‌گونه که از نمودار (۱) پیداست نظام‌های درون هر فرانش باهم در ارتباط هستند، در حالی که هیچ تعاملی در میان نظام‌های بینافرانشی وجود ندارد. از آنجا که تمرکز این پژوهش بر تحلیل وجه و نظام وجهیت در کردی است، فرانش بینافرادی که دربردارنده نظام وجه، و خرده نظام‌های اخباری، امری، پرسشی و اطلاعی است به تفصیل تشریح می‌شود.

موضوع فرانش بینافرادی رابطه زبان و اجتماع و مراودات اجتماعی میان گوینده و شنونده است. از این منظر جمله کالایی است که مبادله اجتماعی را ممکن می‌سازد. به گفته هلیدی و متیسن (۲۰۰۴)، زبان روابط اجتماعی و شخصی انسان‌ها را بنیان می‌نهد. این فرانش خود شامل دو زیربخش است. زیربخش تعاملی و زیربخش شخصی. زیربخش تعاملی خود به دو نقش قابل تجزیه است: نقش اجتماعی و نقش ابزاری. بخش تعاملی ناظر بر چگونگی استفاده گویشوران از زبان جهت سامان‌بخشیدن به آداب معاشرت و نظام ارزش‌ها در خلال تبادل‌های اجتماعی است. به‌طور مشخص ساخت‌های زبانی مؤدبانه و بندهایی که در احوالپرسی بکار گرفته می‌شوند ابزارهایی در جهت برقراری تعامل و تأمین نقش تعاملی هستند. زیربخش شخصی بر مواضع،

حالات و احساساتی دلالت دارد که گویشوران نسبت به گفته خود در یک بافت خاص دارند؛ از این روی است که وجه و وجهیت در دستور نقش‌گرای هلیدی در ذیل فرانش بینافردی تحلیل می‌شود.

وجه و وجهیت دو نظام مهم در فرانش بینافردی هستند که هر کدام انتخاب‌هایی را در اختیار گویشوران قرار می‌دهد تا در حین ارتباط و تبادلات اجتماعی به تأمین مقاصد خود پردازند. تحلیل زبان از منظر وجه و وجهیت دلیلی روشن بر استفاده ابزاری گویشوران از زبان جهت نائل آمدن به خواسته‌های فردی و اجتماعی است. وجه در مفهوم سنتی و متعارف آن به دگرگونی‌های صرفی در صورت فعل جهت بیان واقعیت یا عمل (وجه اخباری: اطلاعی و پرسشی)، فرمان (وجه امری) و شک و تردید (وجه التزامی) اشاره دارد. باید متذکر شد که در دستور نقش‌گرای هلیدی از وجه التزامی سخنی به میان نمی‌آید. به‌طور مشخص در دستور نقش‌گرای هلیدی و متیسن (۲۰۱۴: ۱۴۲)، وجه اصطلاحی است که در اطلاق به قالب/سازه‌ای در ساخت جمله به کار می‌رود که شامل عناصر زیر است:

- فاعل
- ایستایی^۱
- افزوده وجهی^۲

در این رویکرد، قالبی که شامل فاعل، ایستایی (و افزوده وجهی) است قالب وجه نام دارد؛ مابقی اجزای حاضر در جمله پسماند محسوب می‌شوند (همان: ۱۴۳). فاعل در این قالب در همان مفهوم سنتی فاعل دستوری بکار می‌رود. ایستایی در اشاره به هر عنصر فعلی زمان‌دار، خواه فعل کمکی خواه فعل اصلی، به کار می‌رود. افزوده به عنصری اشاره دارد که بالقوه قابلیت تبدیل شدن به فاعل را ندارد و عموماً به وسیله گروه قیدی یا گروه حرف اضافه‌ای نمود می‌یابد. افزوده در این دستور در واقع در تقابل با متمم تعریف می‌شود؛ به این مضمون که متمم عنصری است که بالقوه قابلیت تبدیل شدن به فاعل را دارد، اما فاعل نیست و عموماً توسط گروه اسمی تجلی می‌یابد. در خصوص افزوده و قرارگیری آن در قالب وجه تمایز بین دو نوع افزوده ضروری است.

افزوده‌ای که صرفاً اطلاعات موقعیتی همچون زمان، مکان و حالت را به جمله می‌افزاید، افزوده

پسماند است و بخشی از قالب وجه در جمله محسوب نمی‌شود؛ در مقابل افزوده‌ای که مفاهیمی همچون احتمال، اجبار، گواه‌نمایی، موضع‌گوینده نسبت به گفتار را نشان می‌دهد، افزوده‌ی وجهی است که در قالب وجه جمله قرار می‌گیرد. با این تفاسیر وضعیت عناصر جمله در سطح تحلیل فرانش بینافردی و زیر نظام وجه به صورت زیر است:

الف) چنانچه عنصر ایستایی به صورت فعلی کمکی مستقل از فعل اصلی (محمول) در جمله نمود یابد؛

(۱) فاعل - ایستایی - محمول - متمم - افزوده موقعیتی - افزوده وجهی

و ج - پ - س - م - ا - ن - د - ه

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، قالب وجه متشکل از فاعل، ایستایی و افزوده وجهی است. مابقی عناصر حاضر در جمله، محمول، متمم و افزوده موقعیتی پسماند محسوب می‌شوند. چنانچه عنصر ایستایی مستقل در جمله حضور نداشته باشد محمول (فعل) زمان‌دار می‌تواند ایستایی را روی خود متجلی سازد؛ در این وضعیت، قالب وجه محمول را نیز شامل خواهد شد.

(۲) فاعل - محمول ایستا - متمم - افزوده موقعیتی - افزوده وجهی

و ج - پ - س - م - ا - ن - د - ه

حال این پرسش مطرح می‌گردد که اصولاً دلیل گنجاندن فاعل، ایستایی و اهمیت آن‌ها در قالب وجه چیست. هلیدی و متیسن (۲۰۱۴: ۱۴۴) معتقدند که عنصر ایستایی، گزاره^۱ موجود در جمله را قابل بحث می‌کند. این دو معتقدند که شیوه‌ای مناسب برای اینکه گزاره‌ای قابل بحث شود این است که گزاره به نقطه ارجاعی^۲ در زمان و مکان منسوب شود؛ و این همان نقشی است که ایستایی در جمله به عهده دارد. به طور مشخص، یک گزاره قابل بحث است اگر نسبت به زمان (محسن کتاب را خواند، زمان گذشته)، وجه (محسن شاید کتاب را خوانده باشد، احتمال) و قطبیت (محسن کتاب را نخواند، قطبیت منفی) نقطه ارجاعی داشته باشد. در مقابل، حضور فاعل به جمله قابلیت اثبات و انکار می‌بخشد؛ مشخصاً نقشمندی جمله به عنوان رخدادی تعاملی ناشی از حضور

1. proposition
2. point of reference

فاعل است؛ به بیانی دیگر، فاعل آن عنصری است که نسبت به آن می‌توان گزاره‌ای را تأیید یا انکار کرد (همان: ۱۴۵). با این مرور، به تحلیل وجه و وجهیت در کردی (سورانی) می‌پردازیم. در بخش (۳) وجه و قالب وجهی و نظام‌های موجود در آن و در بخش (۴) وجهیت در این زبان مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳- وجه و قالب وجهی

در این بخش با اتخاذ رویکرد نقش‌گرای نظام‌بنیاد، و مفروض‌پنداشتن مفاهیم و اصول این رویکرد در خصوص وجه به تحلیل وجه‌نمایی جمله در زبان کردی می‌پردازیم. همان‌گونه که در بخش ۲ شرح آن رفت، مفهوم وجه در دستور نقش‌گرای نظام‌بنیان هلیدی از مفهوم سنتی آن متفاوت است. در حالی که در مفهوم متعارف آن وجه به تغییرات صرفی-واجی فعل در نشان‌دادن وجهیت اشاره دارد (پالمر ۲۰۰۱)، در دستور نقش‌گرا وجه نظامی است که در «سطح بند»^۱ قابل تعریف است؛ در واقع وجه به عنصر (فعل) یا گروه (فعلی) واحدی محدود نیست، بلکه قالب یا سازه‌ای است که مشتمل بر سه عنصر فاعل (دستوری)، ایستایی و افزوده وجهی است. به‌علاوه، نظر به اینکه زبان انگلیسی در نظام تصریفی فعل فاقد وجه‌نمایی التزامی است، در دستور نقش‌گرای نظام‌بنیان صحبتی از وجه التزامی اصولاً به میان نمی‌آید. اگرچه می‌توان مباحث مربوط به وجه اخباری و امری را به التزامی تعمیم و گسترش داد، اما این گسترش نظری در نهایت تابع تفسیرها و سلیقه‌های زبان‌شناس خواهد بود. با این مقدمه، تحلیل ساختی بند در سطح فرانش بینافردی و تشخیص نظام‌های وجهی زیرمجموعه این فرانش با ترسیم قالب/سازه وجه در بند در دستور کار قرار می‌گیرد.

۳-۱- وجه اخباری

در نظام وجهی دوگانه نقش‌گرای هلیدی، وجه اخباری مقوله‌ای دستوری است که مشخصاً نیت گوینده را برای تبادل اطلاعات نشان می‌دهد. وجه اخباری دو زیرنظام اطلاعی و پرسشی را در برمی‌گیرد. نقش وجه اطلاعی اعلام یک پیغام است؛ این وجه ناظر بر تعامل اجتماعی گوینده و شنونده به‌وسیله انتقال اطلاعات است. گوینده در این تعامل فرض را بر این می‌گذارد که خود دارای اطلاعات و شنونده فاقد آن است. نقش وجه پرسشی درخواست دریافت اطلاعات از جانب

گوینده است؛ گوینده در این تعامل خود را فاقد اطلاعات و شنونده را دارای اطلاعات مورد نیاز قلمداد می‌کند.

نمود وجه اطلاعی در زبان کردی مشابه نمود آن در سایر زبان‌های ایرانی است؛ قالب وجه اطلاعی به صورت زیر است:

وجه اطلاعی: فاعل - ایستایی ↓

در خصوص قالب وجه اطلاعی در زبان کردی ذکر دو نکته اهمیت کانونی دارد. نخست اینکه عنصر ایستایی در قالب وجه به طور معمول با محمول (فعل) دستخوش ادغام شده و بر روی آن نمود می‌یابد. در زبان کردی، نمود ایستایی در وجه اطلاعی به صورت پیشوند [-æ] با محمول زمان حال، و فاقد صورت ویژه در زمان گذشته است.^۱ در زبان فارسی نیز نمود ایستایی به صورت پیشوند «می-» همراه محمول زمان حال و فاقد صورت در زمان گذشته است. نکته دوم در خصوص آهنگ جمله است. مشاهده داده‌ها حاکی از آن است که در حالت بی‌نشان، وجه اخباری و پرسشی در زبان کردی (همانند سایر دیگر زبان‌های ایرانی) از یک چینش واحد فاعل-ایستایی حاصل می‌شوند، لذا، این زبان به منظور دستوری شدن و نمود متمایز این دو وجه از آهنگ استفاده می‌کند. وجه اخباری غالباً با آهنگ افتان ↓ ادا می‌شود. نمونه‌های (۳) ساخت جمله در وجه اخباری (اطلاعی غیرتأکیدی و تأکیدی) را نشان می‌دهند. بر پایه ملاحظات نظری پیش گفته، تحلیل ساختی نمونه‌های (۳) در سطح فرانش بینافرادی در جدول‌های (۱) و (۲) نشان داده شده است.

اطلاعی غیرتأکیدی. a. Sara kiteb-ækæ æ-xwen-et. (3)

۳م-خواند-اخباری معرفه-کتاب سارا

«سارا کتاب را می‌خواند»

جدول (۱). قالب وجه اطلاعی غیرتأکیدی

Sara	kiteb-ækæ	æ-xwen-et
فاعل	متمم	محمول+ایستایی
وجه	پسماند	وجه

اطلاعی تأکیدی. b. Sara kiteb-ækæ-i dırand, wa nyæ?

نیست این‌گونه پاره کرد ۳م=معرفه-کتاب سارا

۱. در واقع æ- حاصل ادغام صرفی دو مشخصه وجه اخباری و نمود غیرکامل است. æ- در توزیع تکمیلی با پیشوند التزامی bi- است.

«سارا کتاب را پاره کرد؛ مگه نه؟»

جدول (۲). قالب وجه اطلاعی تأکیدی

Sara	kiteb-ækæ-i	dırand	wa	nyæ?
فاعل	متمم	محمول+ایستایی	فاعل	ایستایی
وجه	پسماند	وجه	وجه	وجه

زیرنظام دیگر نظام اخباری وجه پرسشی است که بر دو گونه است: وجه پرسشی پرسشواژه‌ای و وجه پرسشی آری-خیر. نمود وجه پرسشی در زبان کردی به فارسی مشابهت دارد؛ همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد در هر دو زبان و سایر زبان‌های ایرانی چینش فاعل و ایستایی در قالب وجه پرسشی، در حالت بی‌نشان و بدون کانونی‌سازی عنصر پرسشواژه، همان قالب وجه اطلاعی است. لذا جهت بازنمایی دستوری وجه پرسشی و تمایز آن از نظام اخباری در این زبان‌ها از آهنگ استفاده می‌شود. وجه پرسشی پرسشواژه‌ای آهنگ افتان دارد. آهنگ افتان وجه پرسشواژه‌ای شبیه آهنگ وجه اخباری است، زیرا علی‌رغم مجهول‌بودن اطلاعات پرسشواژه‌گوینده در خصوص خود گزاره یقین دارد (هلیدی و متیسن ۲۰۱۴: ۱۶۸). به بیانی دیگر، گوینده اگرچه در صدد دریافت اطلاعات در خصوص پرسشواژه است، اما به قطبیت گزاره یقین دارد. در مقابل، وجه پرسشی آری-خیر دارای آهنگ خیزان است، چراکه تنها شیوه بازنمایی و تفکیک آن از وجه خبری تقابل در آهنگ است. از آنجا که تعیین قطبیت جمله پرسشی آری-خیر منوط به دریافت اطلاعات از شنونده است، لذا آهنگ خیزان سرنخی تعاملی است که شنونده را به فراهم آوردن و ارسال اطلاعات ترغیب می‌کند. نمونه‌های (a) و (b) به ترتیب قالب‌های وجهی پرسشی پرسشواژه‌ای و آری-خیر را به نمایش می‌گذارند:

وجه پرسشی پرسشواژه‌ای: فاعل-ایستایی وجه پرسشی آری-خیر: فاعل-ایستایی

(4) a. Sara kam kitebæ-i xwendæwæ?/ KAM KITEBA, sara xwendiyæwæ?

خواندش سارا کتاب کدام خواند م=کدام کتاب سارا

«سارا کدام کتاب را خواند؟/ کدام کتاب را، سارا خواند؟»

جدول (۳). قالب وجه پرسشی پرسشواژه‌ای

Sara	kam kitebæ=i	xwendæwæ	kam ktebæ	Sara	xwendiyæwæ
فاعل	متمم	محمول+ایستایی	متمم	فاعل	محمول+ایستایی
وجه	پسماند	وجه	پسماند		وجه

b. Sara æw kitebækæ xwendæwæ?/ æw ktebæ, Sara xwendiyæwæ?

خواندش سارا کتاب آن خواند ۳م=معرفه-کتاب آن سارا

«سارا آن کتاب را خواند؟ آن کتاب را، سارا خواند؟»

جدول (۴). قالب وجه پرسشی آری-خیر

Sara	kiteb-ækæ=i	Xwendæwæ	æw ktebæ	Sara	xwendiyæwæ
فاعل	متمم	محمول+ایستایی	متمم	فاعل	محمول+ایستایی
وجه	پسماند	وجه	پسماند		وجه

۳-۲- وجه امری

نقش وجه امری تبادل کالا و خدمات از طریق زبان است (هلیدی و متیسن ۲۰۱۴: ۱۶۵). وجه امری معمولاً فاقد فاعل دستوری است؛ این از وجوه متمم این وجه از وجه التزامی است. در زبان کردی ایستایی وجه امری و التزامی به صورت پیشوند -bi نمود می‌یابد؛ در زبان فارسی نیز ایستایی وجه امری و التزامی به صورت پیشوند ب- بر روی محمول نمایان می‌شود. به همین دلیل، عدم ظهور فاعل دستوری (قابل پیش‌بینی) شیوه‌بازنمایی افتراقی وجه امری است، چرا که وجه التزامی در صورت صرفی فعل همچون فعل امری است. وجه التزامی دارای فاعل دستوری با تنوعات شخص و شمار است. شخص در وجه امری قابل پیش‌بینی و معمولاً «تو»، «من» تو و «او» است. فاعل «تو» دارای بیشترین بسامد و بی‌نشان‌ترین فاعل وجه امری است. آهنگ در وجه امری مثبت معمولاً افتان و در وجه امری منفی (نهی) یکنواخت-خیزان است.

وجه امری مثبت: (فاعل)- ایستایی (شخص من/من و تو/ او)

وجه امری منفی: (فاعل)-ایستایی (شخص من/من و تو/ او)

نمونه‌های (۵) به ترتیب ساخت‌های امری با شخص‌های دوم (مفرد)، اول (جمع) و سوم (جمع) را نشان می‌دهد. جدول (۵) قالب وجهی امری را به نمایش می‌گذارد:

(5) a. kitebækæ bixwenæwæ! / (ba) kiteb-ækæ bixwennæwæ! / kteb-ækæ bixwenetæwæ

کتاب را بخوانیم کتاب را (بیا) بخوان کتاب را

بخواند

«کتاب را بخوان! (بیا) کتاب را بخوانیم! کتاب را بخواند!»

جدول (۵). قالب وجه امری

ktebækæ	کتاب را	Bixwenæwæ	بخوان
ktebækæ	کتاب را	Bixwennæwæ	بخوانید
ktebækæ	کتاب را	Bixwenetæwæ	بخواند
	متمم		ایستایی+محمول
	پسماند		وجه

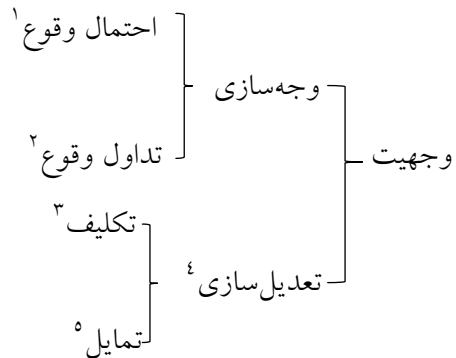
۳-۳- وجه التزامی

همان‌طور که قبلاً در ابتدای این بخش ذکر شد در دستور نقش‌گرای نظام‌بنیان هلیدی سخن از وجه التزامی به میان نمی‌آید، زیرا اصولاً در این دستور وجه ویژگی بند است و از ویژگی‌های فعل یا گروه فعلی محسوب نمی‌شود. وجه التزامی در تعبیر سنتی آن در زبان‌هایی قابل تعریف است که فعل وند خاصی را منحصرأ در بندهای وابسته و در شرایط ساختاری خاص بپذیرد و تعبیر عدم تحقق، عدم قطعیت وقوع یا عدم یقین در تحقق گزاره را به دنبال داشته باشد. هلیدی و متیسن (۲۰۱۴: ۱۴۳، پاورقی ۷)، به تلویح وجه التزامی را از نظام وجه در دستور نقش‌گرای خود کنار می‌گذارند و آن را در کنار سایر وجه‌های سنتی، و در مفهوم سنتی آن، همچون اخباری/ امری/ تمنایی...، ویژگی بینافردی فعل (یا گروه فعلی) قلمداد می‌کنند. بنابراین، این‌گونه می‌توان استنباط کرد که این دو زبان‌شناس اصولاً وجه‌نمایی التزامی را فاقد نقش تعاملی/ بینافردی وجهی در «سطح بند» می‌دانند. از همین رو، این دو از وجه‌های سنتی (اخباری/ التزامی/...) تحت عنوان حالت (mode) یاد می‌کنند. لذا، به پیروی از این رویکرد، وجه التزامی را در تعبیر نقش‌گرای آن دارای نقش تعاملی نمی‌پنداریم؛ بلکه در حین بحث در خصوص وجهیت و وجه‌سازی^۱ از تعامل آن با وجهیت سخن به میان می‌آوریم.

۴- وجهیت

نقش قطبیت‌های مثبت و منفی به ترتیب تأیید و انکار گزاره است. اما در حد فاصل قطبیت مثبت و منفی درجات بینابینی از احتمالات، امکانات، عدم قطعیت و بلا تکلیفی وجود دارد. این انتخاب‌های بینابینی میان دو قطبیت مثبت و منفی حوزه وجهیت را در زبان شکل می‌دهد. به بیانی دیگر، نقش نظام وجهیت تفسیر و تجلی این فضای عدم قطعیت است (هلیدی و متیسن ۲۰۱۴: ۱۷۶). در دستور نقش‌گرای نظام‌مند، وجهیت در دو سطح گزاره‌ها و پیشنهادها قابل تحلیل است. به دیگر

سخن، وجهیت در دو حوزه گزاره و پیشنهاد، نظام‌های مجزایی را شکل می‌دهد. نظام وجهیت و زیرنظام‌های آن به صورت زیر است:



نمودار (۲). نظام وجهیت (هلیدی و متیسن ۲۰۱۴)

۴-۱- وجهیت گزاره‌ای / وجه‌سازی

همان‌گونه که ذکر شد قطبیت مثبت و منفی در یک گزاره ناظر بر تأیید و انکار آن گزاره است. این دو قطبیت، در واقع یقین و قطعیت گوینده نسبت به گزاره را، خواه سلبی خواه ایجابی، نشان می‌دهند. برای نمونه، دو جمله «محسن سیب را خورد» و «محسن سیب را نخورد» به ترتیب دو قطبیت مثبت و منفی دارند که هر دو حاکی از یقین و قطعیت گوینده نسبت به این دو گزاره هستند. اما در میان این دو قطب، فضای بینابینی وجود دارد که ناظر بر قضاوت گوینده است. این امکانات بینابینی در سطح گزاره به دو شیوه خود را نشان می‌دهند: (۱) درجات احتمال وقوع (همچون احتمالاً، ممکن است، شاید) و (۲) درجات تکرار وقوع (همچون به‌ندرت، همیشه، گه‌گاه). وجهیت در واقع در اشاره به این درجات احتمال یا تکرار وقوع بکار می‌رود. هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) جهت متمایز کردن این مقوله از مقوله‌های دیگر، که به‌طور سنتی ذیل وجهیت طبقه‌بندی می‌شوند، از اصطلاح وجه‌سازی استفاده می‌کنند. وجهیت احتمال و تکرار وقوع به سه شیوه تجلی پیدا می‌کند:

الف. به صورت فعل وجهی و وجه‌نمایی التزامی بر روی فعل بند پیرو؛

1. probability
2. usuality
3. Modulation
4. obligation
5. inclination

ب. به صورت افزوده وجهی؛

پ. ترکیبی از الف و ب.

داده‌های آماری مستخرج از تحقیق میدانی (در استان کردستان و اقلیم کردستان عراق) نشان از تمایل زبان کردی به بهره‌گیری از افعال وجهی و ساخت‌های بندی شبه‌دستوری شده برای بیان وجهیت دارد. فراوانی میزان استفاده گویشوران از افعال و ساخت‌های بندی وجهی به صورت نمودار زیر است:



نمودار (۳). فراوانی میزان استفاده از افعال، ساخت‌های بندی و افزوده‌های وجهی

همان‌گونه که از معادل فارسی عناصر وجهیت کردی، در نمودار فوق، مشاهده می‌شود افعال وجهی و ساخت‌های بندی شبه‌دستوری شده هم از حیث شمار و هم از حیث فراوانی وقوع وجه‌نمایی غالب کردی را رقم می‌زنند. مشخصاً برای بیان وجهیت احتمال وقوع این افعال و ساخت‌ها عهده‌دار وجه‌سازی هستند؛ افزوده‌های وجهی برای بیان وجهیت احتمال وقوع اندک هستند. در مقابل برای بیان وجهیت تداول وقوع، وجه‌سازی غالباً توسط افزوده‌های وجهی انجام می‌گیرد و تقریباً هیچ فعل وجهی اختصاصی برای بیان وجهیت تداول وقوع مشاهده نمی‌شود.

جدول (۶). عناصر وجه‌سازی احتمال وقوع

افزوده‌های وجهی / احتمال وقوع	فعل‌های / ساخت‌های بندی وجهی / احتمال وقوع
be-guman / (بی‌گمان) / hætman (حتماً)	æbe/ dæbe (فعل) باید æše (فعل) می‌شود Nabe (فعل) نباید naše (فعل) نباید læ-wanæy-æ/ læwæ æče (بندی) به نظر می‌رسد pe=m-wa bet (بندی) به نظرم می‌رسد bo=y hæyæ (بندی) امکان دارد rængæ (بندی) امکان دارد twanin (توانستن)

جدول (۷). عناصر وجه‌سازی تداول وقوع

افزوده‌های وجهی / تداول وقوع	فعل‌های وجهی / تداول وقوع
hæmišæ/ همیشه	
hærgiz/qæt هرگز	
jarjar/ jarubar/ tæwtaw گهگاه	
bæ dægman/ به‌ندرت	
zor-jar/ خیلی اوقات	

در مجموعه جملات (۶) و (۷) که احتمال وقوع را نشان می‌دهند، مشاهده می‌شود هنگامی که وجهیت به وسیله فعل/ساختار بندی وجهی نشان داده شود فعل اصلی صورت التزامی (betæwæ) به خود می‌گیرد؛ اما چنانچه وجهیت توسط افزوده وجهی نشان داده شود، فعل صورت اخباری خود را حفظ می‌کند (مانند نمونه (۶ e)).

(6) a. Sara rængæ ktebakay xwendbetæwæ

سارا خوانده باشد کتاب را

b. Sara, lewanæyæ ktebækæy xwendbetæwæc. Sara bo=y hæyæ ktebækæy xwendbetæwæd. Sara, dæbe ktebækæy xwendbetæwæe. Sara be-guman/hætman ktebakay xwendwætæwæ

در نمونه‌های زیر که وجهیت تکرار وقوع را نشان می‌دهند، افزوده‌های وجهی تغییری در شکل فعل به وجود نمی‌آورند و فعل اصلی همچنان در حالت اخباری است.

(7) a. Sara qæt/hærgiz ktebækæ-i naxwendwætæwe

سارا هرگز این کتاب را نخوانده است.

b. Sara be degmen ktebi xwenduætæwæ

سارا به‌ندرت کتاب خوانده است.

c. Sara hæmu Jum'æyek dache bo šax.

سارا هر جمعه به کوه می‌رود.

۴-۲- وجهیت پیشنهادی / تعدیل‌سازی

قطبیت مثبت و منفی در ارتباط با گزاره‌های پیشنهادی یا تکلیفی به معنی تجویز و تکلیف یا منع و تحذیر است. در گزاره‌های پیشنهادی و جمله‌های تکلیفی، بین این دو قطبیت، امکان‌های بینابینی وجود دارد؛ امکان‌های بینابینی که وجهیت پیشنهادی و تکلیفی را شکل می‌دهند، تعدیل‌سازی

نامیده می‌شوند (هلیدی و متیسن ۲۰۱۴: ۱۷۸). این امکان‌ها در دو سطح خود را نشان می‌دهند (۱) در دستور/ امر، امکان‌های موجود ناظر بر درجات تکلیف هستند: مجازبودن، انتظارداشتن، مجبوربودن. (۲) در پیشنهاد، امکان‌های موجود ناظر بر درجات تمایل هستند: مایل بودن، سعی کردن، خواستن. تعدیل‌سازی در زبان کردی توسط افعال وجهی نشان داده می‌شود. به نظر می‌رسد افزوده‌های وجهی اختصاصی که تعدیل‌سازی (تکلیف یا تمایل) را نشان دهند، وجود نداشته باشند.

جدول (۸). تعدیل‌سازی تکلیفی و پیشنهادی

وجهیت تکلیفی / افعال وجهی	وجهیت تکلیفی / افعال وجهی
wistin/ pe-xoš-bun/ hæwl-dan/ خواستن / سعی کردن / دوست داشتن	dæbe/ æbe/ æše/twanin / boy-hæyæ/ pewistæ/ gringæ باید/ لازم است/ توانستن / مجبوربودن / انتظاررفتن / ضرورت داشتن / ضرور بودن

نمونه‌های زیر درجات متفاوت تعدیل‌سازی (تکلیف/ تمایل) را نشان می‌دهند. همان‌گونه که از داده‌ها مشهود است، فعل اصلی در این جمله‌ها التزامی است چراکه وجهیت خود توسط فعل/ ساخت وجهی نشان داده می‌شود. به‌طور کلی صورت التزامی فعل اصلی زمانی هویدا می‌شود که آن فعل در بند پیرو قرار گرفته باشد.

(8) a. Sara dæbe ktebækæ bixwenetæwæ (تکلیفی)

بخواند کتاب را باید سارا

b. Sara dætwanet/ boy hæyæ ktebækæ bixwenetæwæ (تکلیفی)

بخواند کتاب را اجازه دارد / می‌تواند سارا

c. Sara dæyæwe ktebækæ bixwenetæwæ (تمایلی)

بخواند کتاب را می‌خواهد سارا

۵- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی به مطالعه نظام‌های وجه‌نمایی و وجهیت در کردی سورانی در چهارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌بنیان هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) پرداخت. هدف از این پژوهش شناسایی و دسته‌بندی عناصر وجهی در قالب نظام‌های وجهی مفروض در فرانش بینافردی در دستور نقش‌گرای نظام‌بنیان است. به‌طور مشخص، این پژوهش درصدد پاسخگویی به

این دو پرسش است که (۱) الگوهای وجه‌نمایی در کردی سورانی کدام‌اند؟ و (۲) نظام وجهیت در این گونه زبانی چگونه صورت‌بندی می‌شود؟ داده‌های مورد بحث و استناد در این پژوهش حاصل مطالعه میدانی و اخذ قضاوت ۴۰۴ گویشور زبانی به شیوه پرسشنامه نیمه‌باز و پیش‌ساخته استاندارد مکس پلانک است. جهت دستیابی به پاسخ پرسش نخست، ضمن تفکیک دو مفهوم سنتی و نقش‌گرایانه وجه، کارکرد نقشی وجه و قالب وجهی تعریف و عناصر آن در کردی سورانی شناسایی شدند. به‌طور مشخص نشان داده شد که هر جمله در سطح فرانش بینافردی به دو بخش قالب وجهی و پسماند قابل تحلیل است. از بین سه عنصر فاعل دستوری، ایستایی و افزوده وجهی که اجزای تشکیل‌دهنده قالب وجهی هستند ایستایی در این زبان عموماً نمود مستقل ندارد، بلکه طی فرایند ترکیب بر روی محمول ظاهر می‌گردد. در این خصوص، تأثیر آهنگ کلام در تعیین قالب‌های وجهی اخباری و پرسشی، به‌عنوان بخشی از ابزارهای دستوری‌سازی وجه مورد بحث قرار گرفت. پاسخ پرسش دوم، در واقع، مستلزم تحلیل شیوه‌بازنمایی وجه‌سازی و تعدیل‌سازی بود. به این منظور، در خلال بررسی نظام وجهیت در گزاره‌ها و پیشنهادها، وجه‌سازی و تعدیل‌سازی معرفی شدند. با تکیه بر داده‌های آماری نشان داده شد که وجه‌سازی احتمال وقوع غالباً توسط افعال و ساخت‌های بندی دستوری‌شده، و وجه‌سازی تکرار وقوع عموماً توسط افزوده‌های وجهی انجام می‌گیرد. نتایج پژوهش، همچنین، نشان داد که تعدیل‌سازی تکلیفی و تمایلی در کردی سورانی توسط افعالی وجهی و ساخت‌های بندی انجام می‌پذیرد. در خصوص وجه التزامی، بررسی داده‌ها حاکی از آن است که این وجه فاقد نقش بینافردی در سطح بند است؛ و موجودیت آن وابسته به برقراری شرایط دستوری ویژه (قرار گیری در بند پیرو) و نقش بینافردی آن در سطح واحدهایی همچون فعل و گروه فعلی است.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس و زهرا عباسی (۱۳۹۱). بررسی وجه فعل در زبان فارسی بر پایه نظریه فضاهای ذهنی. ویژه‌نامه زبان و گویش. شماره ۲۰ تابستان. ص ۱۳۵-۱۵۴.
- احمد، حسن احمد (۱۹۷۶). ریزمانی کوردی [دستور زبان کردی]. بغداد: انتشارات دارالجاحظ.
- افراشی، آزیتا (۱۳۸۶). ساخت زبان فارسی. تهران: انتشارات سمت.
- ایلخانی پور، نگین و غلامحسین کریمی‌دوستان (۱۳۹۳). طبقه‌بندی افعال وجهی: پاسخی به توانگر و عموزاده (۲۰۰۹). پژوهش‌های زبانی. سال پنجم، شماره ۱. ص ۱۲۹-۱۳۳.

- باطنی، محمد رضا (۱۳۴۸). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی. تهران: امیرکبیر.
- حاجی مارف، ئه‌وره‌حمان (۲۰۱۴). ریزمانی کوردی: کردار [دستور زبان کردی: فعل]. اربیل. انتشارات روزه‌هلات.
- خورشید، غازی علی (۲۰۱۱). زمانی فه‌رمی بو کوردستان [زبان رسمی برای کردستان]. سلیمانیه. انتشارات سه‌رده‌م.
- خوشناو، نریمان عبدالله (۲۰۱۰). ریزمانی کوردی [دستور زبان کردی]. اربیل. انتشارات مناره.
- رحیمیان، جلال (۱۳۸۶). ارتباط صوری و معنایی «نمود» در گروه‌های فعلی فارسی. مجموعه مقالات هفتمین همایشی زبان شناسی ایران. جلد ۱. ص ۲۴۴-۲۶۰.
- سایه، نیعمه‌ت علی (۲۰۰۴). ریزمانی کوردی، زاری که‌له‌ووری [دستور زبان کردی، لهجه کلهری]. سلیمانیه. انتشارات شریعت، محمد جواد (۱۳۶۴). دستور زبان فارسی. تهران: اساطیر.
- عبدالفتاح، ده‌هام (۲۰۱۲). کار(لیکه‌ر) له زمانی کوردی [فعل در زبان کردی]. اربیل. انتشارات حاجی هاشم.
- عموزاده، محمد و حدایق رضایی (۱۳۸۹). ابعاد معنا شناختی «باید» در زبان فارسی. پژوهش‌های زبانی. ص ۵۷-۷۸.
- عموزاده، محمد و حدایق رضایی (۱۳۹۱). بررسی مفاهیم وجهی زمان دستوری در زبان فارسی. پژوهش‌های زبانی. شماره ۱، بهار و تابستان. ص ۷۷-۹۸.
- غلامعلی‌زاده، خسرو (۱۳۷۴). ساخت زبان فارسی. تهران: احیاء کتاب.
- محو، محمد (۲۰۱۱). بنه‌ماکانی سیتاکسی کوردی [اصول نحو کردی]. سلیمانیه. انتشارات پیوند.
- مرادی، روناک (۱۳۹۲). فعل‌های کمکی وجهی در کردی سورانی. مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران. سال اول، شماره ۲ پاییز. ص ۱۱۷-۱۳۴.
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۷۹). دستور زبان فارسی بر پایه نظریه‌ی گشتاری. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- نقشبندی، زانیار (۱۳۹۴) وجهیت در زبان هورامی. رساله دکتری زبان‌شناسی. دانشگاه بوعلی سینا، همدان.
- نقی زاده، محمود، منوچهر توانگر و محمد عموزاده (۱۳۹۰). بررسی مفهوم ذهنیت در افعال وجهی در زبان فارسی. پژوهش‌های زبان‌شناسی. شماره ۴، بهار و تابستان. ص ۱-۲۰.

References

Abdul-fattah, Daham (2012) *The verb in Kurdish*. Erbil. Haji Hashem Publications (In

- Kurdish).
- Afrashi, Azita (2007). *The Structure of Persian*. Tehran. Samt Publications (In Persian).
- Aghagolzadeh, Ferdows & Zahra Abbasi (2012). Verb mood in Persian; a mental spaces approach. *Zaban va Gouyesh*, 20: 135-154 (In Persian).
- Ahmad, Hassan Ahmad (1976). *The grammar of Kurdish*. Baghdad. Dar-al Jahiz Publications (In Kurdish).
- Amouzadeh, Mohammad & Hadayegh Rezaii (2010) A semantic characterization of *bayad* in Persian. *Pazhuhesh-haye Zabani*, 57-78 (In Persian).
- Amouzadeh, Mohammad & Hadayegh Rezaii (2012) A description of modality and tense in Persian. *Pazhuhesh-haye Zabani*, 1: 77-98 (In Persian).
- Batani, Mohamad Reza (1969) *A description of grammatical structure if Persian*. Tehran. Amir Kabir Publications (In Persian).
- Frawley, W.2006. *The Expression of Modality*. Berlin/New York: Mouton de Gruyter.
- Gholam Alizadeh, Khosro (1995) *The Structure of Persian*. Tehran. Ehya Publications (In Persian).
- Haji Ma'ruf, Abdulrahman (2014). *Kurdish Grammar: Verbs*. Erbil. Rojhalat Publications (In Kurdish).
- Halliday, M. A. K., & Matthiessen, C. (2004). *An Introduction to Functional Grammar* (3rd ed.). London: Edward Arnold.
- Halliday, M. A. K., & Matthiessen, C. (2014). *An Introduction to Functional Grammar* (4th ed.). Routledge.
- Halliday, M. A. K. 1985. *An Introduction to Functional Grammar* (1st ed.). London: Edward Arnold.
- Ilkhanipour, Negin & Gholamhossein Karimi-Dustan (2014). A classification of modal verbs: a reply to Tavangar and Amouzadeh (2009). *Pazhuhesh-haye Zabani*, 5:1, 129-133 (In Persian).
- Khoshnaw, Nariman Abdullah (2010) *Kurdish Grammar*. Erbil. Minarah Publications (In Kurdish).
- Khurshid, Ghazi Ali (2011). *A formal language for Kurdistan*. Suleymanieh, Sardam publications (In Kurdish).
- Mahwi, Mohammad (2011) *Fundamentals of Kurdish syntax*. Sulaymaniyah. Paywand Publications (In Kurdish).
- Malinowski, B. (1923). The problem of meaning in primitive languages. In *The Meaning of Meaning. A Study of the Influence of Language upon Thought and of the Science of Symbolism*, edited by Charles Ogden and Ivor Richards, 296-336. London: Kegan Paul.
- Meshkatodini, Mehdi (2000) *Persian Grammar: a GB approach*. Mashhad. Ferdowsi University Press (In Persian).
- Moradi, Ronak (2013) Modal Auxiliary verbs in Sorani Kurdish. *Motaleate Zaban va Gouyeshahye Gharbe Iran*. 2: 117-134 (In Persian).
- Naghizadeh, Mahmoud, Manouchehr Tavangar & Mohammad Amouzadeh (2011). Subjectivity in the Persian modal verbs. *Pazhuhesh-haye ZabanShenasi*. 4: 1-20 (In Persian).

-
- Naghshbandi, Zaniar. 2015. Modality in Hawrami. PhD Dissertation. Bu-Ali Sina University, Hamedan (In Persian).
- Palmer, F. R. (2001). Mood and modality. Cambridge University Press.
- Palmer, F. R. (1986). *Mood and Modality*. Cambridge University Press.
- Rahimian, Jala (2007). The form-meaning correlates of Aspect in Persian Verb Phrases. Proceedings of the Seventh Conference of Iranian Linguistics, vol 1: 244-260 (In Persian).
- Saya, Ni'mat Ali (2004). *Kurdish Grammar: Kalhouri Dialect*. Sulaymaniyah. Shuwan Publications (In Kurdish).
- Shariat, Mohhamd Javad (1985). *Persian Grammar*. Tehran. Asatir Publications (In Persian).

